

چارسوک

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرشور
هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی

دولت جلوی تورم و سقوط ارزش پول ملی را بگیرد

رهبر معظم انقلاب: مسئولان عزیز و محترم دولتی باید با بهره‌گیری از این امکانات، کار و تلاش خود را دو برابر و مضاعف کنند تا تورم کنونی و سقوط ارزش پول ملی که هر دو غیرمنطقی است اصلاح شود و به امید خدا اصلاح نیز خواهد شد.



پاسخ قاطع رهبر انقلاب به تهدیدهای مکرر رئیس جمهور آمریکا برای اعزام ناو جنگی به سمت ایران:

خطرناک‌تر از ناو، سلاحی است که آن را به قعر دریا می‌فرستد

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی

خطرناک‌تر از ناو، سلاحی است که آن را به قعر دریا می فرستد

گزارش

🔗 رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی، امسال را سالی عجیب و پر حادثه خواندند و «پیروزی ملت در جنگ ۳ روزه»، «به خاک نشاندن فتنه مهم و سنگین دی ماه» و «حضور پرشکوهِ مردم در دوراهیمپایی عجیب ۲۲ دی و ۲۳ بهمن» را نشانه اقتدار و زنده بودن ملت عزیز ایران برشمردند و با تأکید بر حفظ و تقویت «آبادگی، هوشیاری و اتحاد ملی»، افزودند: به جز سرزده‌ها و عناصر مفسد متصل به دشمنان، همه شهدا و جان‌باختگان اغتشاشات را اعزام از نیروهای مدافع امنیت و آرامش جامعه، «رهگذران بی‌گناه» و حتی «فریب‌خوردگانی که به علت سادگی و عصبانیت همراه فتنه شدند»، فرزندان خودی ملی دایم و داغدار و عزادار همه آنها هستیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فعالیت مضاعف دولتمردان را برای حل مشکلات، مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی، مورد تأکید قرار دادند و در بخش دیگری از سخنان شان با اشاره به دخالت‌های بیجا و تهدیدات گستاخانه مقامات و رسانه‌های آمریکایی درباره حمله به ایران، گفتند: خودشان هم می دانند که طاقت این حرف‌ها و کارها را ندارند و «رتشی که خود ارقوی‌ترین ارتش جهان می‌داند» ممکن است آنچنان سیلی محکمی بخورد که نتواند از جایش بلند شود؛ ضمن اینکه دستگاه‌های مسئول مقابله با تهدید، آمادگی لازم را دارند و ملت باید با آرامش و اطمینان خاطر به کار و زندگی خود مشغول باشد.

ایشان در این دیدار که در آستانه سالروز قیام تعیین کننده ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز انجام شد، «وقت شناسی، اقدام به هنگام و فداکاری، را» از خصوصیات آن قیام دانستند و با تجلیل از حضور مژده بخش نسل جوان آذربایجان در میدان‌های مختلف، گفتند: حضور دوبرابری مردم تبریز در راهپیمایی ۲۲ بهمن نشان داد تبریزی‌ها مانند همه ملت ایران، زنده و پابانشاط هستند و این چنین ملتی هرگز فریب بازی‌های سیاسی و ترغندهای دشمن را نمی خورد.

رهبر انقلاب، امسال را سال رونمایی چندپاره از «عظمت، اراده، عزم راسخ و دیگر توانایی‌های ملت ایران» برشمردند و افزودند: ملت با قدرت نمایی مکرر و ایستادگی، ایران را سربلند و عزیز کرده و مسئولانی که این ایام به سفرهای خارجی می روند، برجستگی ویژه ملت را در دیدار با مقامات آن کشورها به خوبی احساس می کنند.

ایشان تبیین ماهیت وابعاد فتنه دی ماه را از زبان «اهل فکر و تحلیل»، ضروری خواندند و گفتند: چیزی که اتفاق افتاد، حرکت و اغتشاش عده‌ای جوان و غیرجوان عصبانی نبود بلکه «کودتای برنامه ریزی شده‌ای» بود که زیر پای ملت ایران له شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح این واقعت افزودند: دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی با کمک دستگاه‌های اطلاعاتی برخی کشورهای دیگر، از مدت‌ها قبل عده‌ای شرور را دارای زمینه شرارت را جذب و در خارج به آنها آموزش و پول و سلاح دادند و برای خرابکاری و حمله به مراکز نظامی و دولتی به داخل فرستادند تا در فرصت مناسب وارد میدان شوند که این فرصت در نیمه دی ماه بدستشان آمد.

رهبر انقلاب «تصت تأثیر فراد دان و به خشم آوردن عده‌ای بی تجربه و ساده» را گام دیگر آمران و عاملان فتنه برشمردند و گفتند: عناصر آموزش دیده، این گونه افراد را به جلو فرستادند و خودشان هم با سلاح‌های مختلف و سیاسپ «حرکت خشن و بی ملاحظه» وارد میدان شدند و مثل داعش، با خشونتی عجیب «تشن آزند و گشتند و تخریب کردند».

نصف اقتصاد رادردست بگیرید

هبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی

خطرناک‌تر از ناو، سلاحی است که آن را به قعر دریا می فرستد

ایشان هدف اصلی از این اقدامات را متزلزل کردن پایه‌های نظام خواندند و گفتند: البته نیروهای انتظامی، بسیج و سپاه و تعداد زیادی از مردم در مقابل اغتشاشگران ایستادند و «کودتا» با همه مقدمه چینی و خرج‌های هنگفت، به

وضوح شکست خورد و ملت، پیروز میدان شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «راهپیمایی‌های عجیب ۲۲ دی و ۲۳ بهمن» را از «آیات الهی» دانستند و تأکید کردند: ملت عزیز که توانسته این جور، برید خواهی‌ها و توطئه‌های دشمن پیروز شود، باید با «آبادگی، هوشیاری و اتحاد ملی» این توفیق آشکار الهی را حفظ کند.

ایشان درباره خون‌های بر زمین ریخته‌شده در اغتشاشات، افزودند: عده‌ای که سرزده فتنه و جزو کودتاچیان بودند، به درک واصل شدند و سرور کارشان با خداوند است اما همه ۴۳ دسته دیگر جان‌باختگان رایچه‌های خودی ملی دایم و عزادار همه آنها هستیم.

ایشان دسته‌اول جان‌باختگان یعنی «نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و مردم همراه آنان» را شهیدان بزرگ امنیت و آرامش و سلامت جامعه و نظام خواندند و افزودند: دسته دوم جان‌باختگان هم که رهگذران و مردم بی گناه بودند شهیدند؛ چراکه در فتنه‌ای که دشمن به پا کرده بود، گلوله خوردند و جانشان را از دست دادند. رهبر انقلاب افزودند: دسته سوم جان‌باختگان «فریب‌خوردگانی هستند که

آن داعش، کم و بیش از بین رفته اما این‌ها «داعش‌های جدید» هستند که باید در این زمینه، همه مسئولان و مردم مراقب باشند؛ به خصوص جوانان مراقب و حواس جمع باشند که چه کسی به آنها چه حرفی می زند و چه پیشنهادی می دهد.

سادگی کردند و با فتنه‌گران همراه شدند»؛ آنها هم از ما و فرزندان ما هستند و ما داغدار آنها نیز هستیم و برای همه جان‌باختگان رحمت و مغفرت الهی مسألت می کنیم.

ایشان افزودند: برخی از این فریب‌خوردگان که بازداشت و زندانی هم نشده‌اند، برای من نامه نوشته و ابراز پشیمانی و طلب حلالیت کرده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اقرار آمریکایی‌ها به تشکیل داعش، گفتند:

آن داعش، کم و بیش از بین رفته اما این‌ها «داعش‌های جدید» هستند که باید در این زمینه، همه مسئولان و مردم مراقب باشند؛ به خصوص جوانان مراقب و حواس جمع باشند که چه کسی به آنها چه حرفی می زند و چه پیشنهادی می دهد.

رهبر انقلاب تأکید کردند: مردم طالب تعقیب و مجازات دسته اصلی اغتشاشگران مفسد هستند و دستگاه‌های قضایی و امنیتی موظفند اینها را محاکمه و مجازات کنند و با کسانی‌که «با حرف و تحلیل و عمل» با دشمن همراهی می کنند، برخورد قضایی عادلانه شود.

ایشان افزودند: به احتمال زیاد، نقشه بعدی آمریکا درباره جمهوری اسلامی از همین سبک و همین گونه کارهاست؛ البته بدون تردید و به لطف الهی و در پرتو آمادگی و زنده بودن ملت، هر حرکتی از این دست با برخورد محکم ملت نابود خواهد شد.

Charsogh newspaper

■ چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴ ■ سال دوم ■ شماره ۴۰۱



خطرناک‌تر از آن، سلاحی است که می‌تواند ناو را به قعر دریا بفرستد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اعتراف رئیس جمهور آمریکا به ناتوانی در نابود کردن جمهوری اسلامی با وجود گذشت ۴۷ سال از انقلاب، تأکید کردند: این اعتراف خوبی است. البته من می‌گویم تو هم نخواهی توانست این کار را بکنی چرا که جمهوری اسلامی، حکومتی جدا از مردم نیست بلکه متکی بر ملتی زنده، با پرچا و مستحکم است که برای پیشرفت خود در این ۴۷ سال کار و تلاش کرده و زحمت کشیده است.

ایشان با اشاره به ناتوانی دشمن در جا گذاندن نهال پارک جمهوری اسلامی در روزهای اول انقلاب، افزودند: امروز محمدالله جمهوری اسلامی شجره‌ای مبارک و بلند و پُر ثمر، و کشوری پرخودار از امکانات فراوان است که مسئولان عزیز و محترم دولتی باید با بهره‌گیری از این امکانات، کار و تلاش خود را دو برابر و مضاعف کنند تا تورم کنونی و سقوط ارزش پول ملی که هر دو غیرمنطقی است اصلاح شود و به امید خدا اصلاح نیز خواهد شد.

رهبر انقلاب، استمرار جدی، دقیق و با ملاحظه همه جوانب کارهای آغاز شده و رفع مشکلات و آرام کردن محیط کسب و کار را وظیفه مسئولان خواندند و گفتند: اگر تهدیدی وجود دارد، دستگاه‌های خشتی‌کننده تهدید هم وجود دارند. بنابراین مردم بدون دغدغه، به کار و زندگی، تحصیل، کسب و کار و تجارت خود بپردازند.

ایشان حاکم شدن آرامش و اعتماد به نفس بر کشور را ضروری برشمردند و ابراز امیدواری کردند خداوند آرامش و اطمینان قلبی را بر آحاد مردم نازل و مسئولان و کارمندان وظایف خود موفق کند. پیش از بیانات رهبر انقلاب، جت‌الاسلام و المسلمین مطبوری اصل، نماینده ولی فقیه در آستان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز ضمن یادآوری مقاومت فعال نیروهای نظامی و مردم این استان در برابر جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و حضور گسترده در راهپیمایی‌های عظیم مردم استان و شهر تبریز در ۲۲ دی و ۲۳ بهمن گت: مردم آذربایجان برای امان‌دهی و وظایف اسلامی، انقلابی و ملی، همیشه در صحنه هستند.

آمریکا را بی‌منطقی آنها برشمردند و گفتند: مصداق بی‌منطقی‌های آنها، دخالت در مسائل ایران از جمله در یکی از مسائل مهم مایعنی مسئله تسلیحات است.

ایشان «برخورداری از تسلیحات با بازنده» را ضروری و واجب خواندند و افزودند: هر کشوری بدون تسلیحات بازنده زیر پای دشمنان له می‌شود اما آمریکایی‌ها با دخالت در مسئله تسلیحات می‌گویند شما نباید فلان نوع یا بژد موشر را داشته باشید. در حالی که این مسئله مربوط به ملت ایران است و به آنها ارتباطی ندارد.

رهبر انقلاب تأکید کرد حق برخورداری ایران از صنعت

صلح‌آمیز هسته‌ای برای اداره کشور و مصارف درمانی، کشاورزی و حسین (ع) مبنی بر اینکه کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند، خاطرنشان کردند: ملت ایران هم می‌گوید ملتی مثل ما

با چنین فرهنگ، سابقه و معارف عالی با کسانی همچون افراد فاسد حاکم بر آمریکا بیعت نخواهد کرد.

ایشان آشکار شدن فسادهای حیرت‌انگیز در ماجرای «جزیره بدنام» را نشان دهنده واقعبت تمدن و لیبرال دموکراسی غرب خواندند و افزودند: هرچه درباره فساد سران غربی شنیده بودیم یک طرف، قضا به این جزیره یک طرف. البته این فقط نمونه‌ای از انبوه مفاسد آنها است و همچنان که این مسئله آشکار نبود اما آشکار شد، موارد زیادی نیز وجود دارد که بعداً آشکار خواهد شد.

رهبر انقلاب با اشاره به فضای سراسر تهدید حاکم بر تبلیغات و اظهارات مقام‌های دولتی آمریکا و رسانه‌های صهیونیستی فعال در آمریکا علیه کشورمان، گفتند: شمار مردم تبریز و ملت ایران در ۲۲ بهمن پاسخ تهدیدها و حرف‌های مهممل و بی‌معنی آنها را دادید و آشکار کردید که تهدید نه تنها اثری ندارد بلکه باعث تشدید انگیزه ملت می‌شود.

ایشان با تأکید بر اینکه آمریکایی‌ها با وجود تهدید به جنگ، می‌دانند که بخاطر مشکلات سیاسی، اقتصادی و آبرو و اعتبار بین‌المللی خود، طاقات حرف‌ها را ندارند، افزودند: آنها می‌دانند که اگر اشتباهی کنند چه آینده‌ای در انتظارشان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دیگر نشانه‌های زوال امپراتوری فاسد و ظالم رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنانشان، مشکلات پُر شمار آنها، دخالت در مسائل ایران از جمله در یکی از مسائل مهم مایعنی مسئله تسلیحات است.

ایشان حرف‌های تهدیدآمیز رئیس جمهور آمریکا را نشان دهنده آرزوی آنها برای تسلط بر ملت ایران دانستند و افزودند: ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را به خوبی بلد است و می‌داند که چه موقع چه کاری باید انجام دهد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به جمله‌ای تاریخی از امام حسین (ع) مبنی بر اینکه کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند، خاطرنشان کردند: ملت ایران هم می‌گوید ملتی مثل ما

با چنین فرهنگ، سابقه و معارف عالی با کسانی همچون افراد فاسد

حاکم بر آمریکا بیعت نخواهد کرد.

ایشان آشکار شدن فسادهای حیرت‌انگیز در ماجرای «جزیره بدنام» را نشان دهنده واقعبت تمدن و لیبرال دموکراسی غرب خواندند و

افزودند: هرچه درباره فساد سران غربی شنیده بودیم یک طرف، قضا به این جزیره یک طرف. البته این فقط نمونه‌ای از انبوه مفاسد آنها است و همچنان که این مسئله آشکار نبود اما آشکار شد، موارد

زیادی نیز وجود دارد که بعداً آشکار خواهد شد.

رهبر انقلاب با اشاره به فضای سراسر تهدید حاکم بر تبلیغات و اظهارات مقام‌های دولتی آمریکا و رسانه‌های صهیونیستی فعال در آمریکا علیه

کشورمان، گفتند: شمار مردم تبریز و ملت ایران در ۲۲ بهمن پاسخ تهدیدها و حرف‌های مهممل و بی‌معنی آنها را دادید و آشکار کردید که تهدید نه تنها اثری ندارد بلکه باعث تشدید انگیزه ملت می‌شود.

ایشان با تأکید بر اینکه آمریکایی‌ها با وجود تهدید به جنگ، می‌دانند که بخاطر مشکلات سیاسی، اقتصادی و آبرو و اعتبار بین‌المللی خود، طاقات حرف‌ها را ندارند، افزودند: آنها می‌دانند که اگر اشتباهی کنند چه آینده‌ای در انتظارشان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دیگر نشانه‌های زوال امپراتوری فاسد و ظالم

عبور از مرز هشدار در وابستگی صندوق‌های بازنشستگی

را کاهش می‌دهد و هم با تجمع ظرفیت‌های تولیدی، به احیای زنجیره‌های ارزش و افزایش درآمدزایی پایدار کمک می‌کند.

شفاف‌سازی و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها؛ عملکرد سرمایه‌گذاری بسیاری از صندوق‌ها به‌ویژه در بنگاه‌های زیرمجموعه، از شفافیت لازم برخوردار نیست و با فنانار برای خروج سود بالا، مانع رشد و توسعه این بنگاه‌ها شده است. لزوم کلیه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌ها تحت نظارت دقیق و براساس معیارهای شفاف حرفه‌ای قرار داشته باشند. شرکت‌های منتقل شده نیز باید مطابق ضوابط سرمایه‌گذاری هر صندوق تعیین تکلیف شوند تا از تداوم «تله ناترازی» جلوگیری شود.

بستن راه ایجاد تعهدات جدید بدون پوشش مالی؛ قانون‌گذاری باید به گونه‌ای اصلاح شود که امکان ایجاد هرگونه تعهد جدید حقوقی یا قانونی برای صندوق‌ها و بدون شناسایی و تأمین منابع پایدار و اختصاصی (و نه از محل بودجه عمومی) به‌ی‌گی مسدود شود. این اصل باید به‌صورت ضمانت‌اجرائی قوی در کلیه قوانین و مقررات حوزه تأمین اجتماعی گنجانده شود. بازنگری اساسی در ساختار حکمرانی؛ مدیریت صندوق‌های بازنشستگی نیازمند حذف نفوذ سیاسی و انتصابات کوتاه‌مدت و جایگزینی آن با هیات‌های امنای پایامدیران مستقل و پاسخگوست. طراحی سازوکارهای شفاف برای محاسبه و به‌روزرسانی بدهی‌های دولت نیز برای خاتمه دادن به اختلافات آمار ی طولانی مدت ضروری است. در پایان باید اظهار داشت؛ لایحه بودجه ۰۵، ۱۴۰۵، آیینه تمام‌نمای بحران عمیق صندوق‌های بازنشستگی ایران است. روند فرآینده وابستگی به بودجه عمومی، نسبت‌های پشتیبانی بحرانی و حجم عظیم بدهی‌های انباشته دولت، رنگ‌خظرا به‌صدا آورده‌است. ادامه این مسیر نه فقط پایداری مالی این نهادهای حیاتی را غیرممکن می‌سازد، بلکه با تبدیل شدن به یک مصرف‌کننده بزرگ بودجه‌ای، منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت، سلامت و آموزش را می‌بلعد و بار سنگینی بر دوش نسل‌های آینده می‌گذارد. زمان اصلاحات مقطعی سپری شده‌است. آنچه ضروری است، اراده‌ای قوی برای اجرای اصلاحات ساختاری، یکپارچه و شجاعانه در چارچوب پنج‌راهکار پیشنهادی است تا زمینه خروج از گرداب بحران کنونی فراهم شود و بنیان نظامی پایدار، عادلانه و مستقل از نوسانات بودجه‌ای دولت در حوزه تأمین اجتماعی شکل گیرد.



چالش ساختاری که نه فقط ثبات مالی صندوق‌ها، بلکه بودجه دولت و عدالت بین نسلی را تهدید می‌کند، پنج راهکار کلیدی ذیل پیشنهاد می‌شود:

تجمع و یکپارچه‌سازی مدیریت؛ با توجه به تکثر و پراکندگی صندوق‌های بازنشستگی (۱۶ صندوق مستقل)، ضروری است سیاست‌گذار از اصلاحات پراکنده به سمت تجمع و تنظیم‌گری یکپارچه حرکت کند. در گام اول، صندوق‌های صغنی ناتراز زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌توانند در یک سازمان تأمین اجتماعی و صندوق روستاییان بدون تأمین منابع به خوبی رعایت شوند.

از سوی دیگر، گاستی‌های جدی رزمایشاده می‌شود. مهم‌ترین آن، عدم تخصیص منابع برای تسویه بدهی انباشته دولت به صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر است که مستقیماً با مفاد بند (الف) ماده (۲۸) قانون برنامه هفتم در تعارض است. همچنین، اگرچه برای بدهی انباشته به سازمان تأمین اجتماعی تسویه نقدی در کوتاه‌مدت، پیشنهاد می‌شود تسویه کامل، نامشخص و ناگافی به نظر می‌رسد.

راهکارهای پنج‌گانه برای بروین رفتن بحران

براساس بررسی‌های به‌عمل آمده؛ برای عبور از این

فشار مضاعفی به نظام پولی کشور وارد کرده است.

صندوق بازنشستگی کشوری؛ وضعیت این صندوق نیز به‌طور ویژه نگران‌کننده است. بودجه مصوب آن در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ (نشان می‌دهد که بیش از ۸۶ درصد منابع آن وابسته به اعتبارات دولتی بوده و سهم درآمد‌های سرمایه‌گذاری فقط حدود ۵ درصد است. در لایحه بودجه ۰۵، ۱۴۰۴، اعتبار این صندوق (با لحاظ ادغام صندوق‌های بازنشستگی فولاد و هما) به ۴۹۹ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که بیانگر رشد قابل‌توجهی نسبت به سال گذشته است. نسبت پشتیبانی صندوق بازنشستگی کشوری در سال ۱۴۰۳ معادل ۰۴۰۷ بوده است؛ نسبتی که نشان‌دهنده ناتوانی این صندوق در دستیابی به پایداری مالی است.

سایر صندوق‌های وابسته؛ صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح با ۲۲۴ هزار میلیارد تومان (رشد ۴۰۴ درصدی)، صندوق وزارت اطلاعات با ۲۰۴ هزار میلیارد تومان (رشد ۲۰۰۵ درصدی) و صندوق کارکنان صداوسیما نیز از محل بودجه عمومی حمایت می‌شوند. در مورد صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر و سازمان تأمین اجتماعی (حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان تا پایان ۱۴۰۳)، هیچ منبعی در لایحه ۰۵، ۱۴۰۵ برای

حجت بین‌آبادی

رژیم‌شور، سوز بودجه و مالی

وابستگی بی سابقه صندوق‌های بازنشستگی

به بودجه عمومی در لایحه ۰۵، ۱۴۰۵، رنگ خط‌ریک بحران ساختاری را به صدا درآورده است؛ جایی که نزدیک به یک پنجم منابع عمومی کشور صرف جبران ناترازی صندوق‌های می‌شود و روندی فرآینده، پایداری مالی دولت و عدالت بین نسلی را تهدید می‌کند.

بررسی دقیق ارقام لایحه بودجه سال ۰۵، ۱۴۰۵ کشور نشان می‌دهد که صندوق‌های بازنشستگی در شرایط بی‌سابقه‌ای از وابستگی به منابع عمومی قرار دارند. مجموع اعتبارات اختصاص یافته به صندوق‌های اصلی بازنشستگی در این لایحه به رقم ۹۷۸ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که معادل ۴۰۴ درصد از کل بودجه عمومی دولت محسوب می‌شود. این میزان نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۴ رشدی معادل ۸۰۲۵ درصد را نشان می‌دهد. با احتساب کمک‌های دولت، بدهی‌های دولت و ردیف‌های اختصاصی، کل منابع تخصیص یافته به حدود ۱،۱۷۶ هزار میلیارد تومان می‌رسد؛ رقمی که سهمی بیش از ۱۹،۷۵ درصد از بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌دهد.

نکته هشداردهنده، روند فرآینده این وابستگی است. نسبت منابع اختصاص یافته به صندوق‌های بازنشستگی به بودجه عمومی از ۱۳،۲ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۱۶،۴ درصد در لایحه ۰۵ رسیده است. این امر نشان می‌دهد که رشد تعهدات بازنشستگی سریع‌تر از رشد بودجه عمومی بوده و صندوق‌ها به‌طور فرآینده‌ای از ماهیت بیمه‌ای مبتنی بر حق بیمه فاصله گرفته و به مصرف‌کننده منابع بودجه‌ای تبدیل شده‌اند.

تحلیل عملکرد صندوق‌های اصلی در لایحه ۰۵، ۱۴

سازمان تأمین اجتماعی؛ اگرچه این سازمان هنوز برای پرداخت تعهدات جاری خود مستقیماً به کمک دولت وابسته نیست اما بدهی انباشته دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت مالی آن دارد. در لایحه ۰۵، ۱۴، برای تسویه بخشی از این بدهی، منابعی از محل تهارت شرکت‌های دولتی (۱۰ هزار میلیارد تومان) و فروش اوراق مالی اسلامی (۷۰ هزار میلیارد تومان) در نظر گرفته شده است. همچنین ۱۷،۷ هزار میلیارد تومان برای بدهی دولت در سال ۰۵، ۱۴ پیش‌بینی شده است. با این حال، استقرار تأمین اجتماعی از بانک رفاه کارگران برای پرداخت تعهدات ماهانه،



آیا افزایش ۲ بار حقوق کارمندان در سال شدنی است؟

🔗 به نظر می‌رسد طرح افزایش حقوق‌ها در میانه سال ایده‌ای باشد که با سازوکار بودجه‌ریزی کشور تناسب جدی نداشته باشد. اخیراً برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داده‌اند که حقوق کارمندان دولت به جای یک‌بار، دو بار در سال افزایش یابد؛ پیشنهادی که در ظاهر با هدف جبران کاهش قدرت خرید کارکنان مطرح شده اما درباره امکان اجرای آن، پرسش‌های جدی وجود دارد.

بر اساس سازوکار بودجه نویسی در ایران، افزایش حقوق کارکنان دولت منوط به پیش‌بینی منابع پایدار در قانون بودجه سالانه است. هر سال در زمان تدوین لایحه بودجه، دولت میزان منابع و مصارف را برآورد می‌کند که بخش قابل توجهی از مصارف به پرداخت حقوق و مزایای کارکنان اختصاص دارد. از این رو هرگونه تغییر در میزان افزایش حقوق، نیازمند تعریف منابع جدید و قابل اتکاست.

کارشناسان معتقدند اگر قرار باشد آن طور که نمایندگان مجلس مطرح می‌کنند، حقوق کارمندان دو بار در سال افزایش یابد، باید منابع مالی تازه‌ای برای پوشش این هزینه پیش‌بینی شود. در شرایط فعلی اقتصاد کشور، تأمین منابع جدید بدون ایجاد آثار تورمی قابل توجه، دشوار به نظر می‌رسد. افزایش هزینه‌های جاری دولت، در صورت نبود درآمد پایدار، می‌تواند به تشدید کسری بودجه و در نهایت افزایش پایه پولی منجر شود.

در این میان، یکی از گزینه‌هایی که اخیراً مورد توجه برخی سیاست‌گذاران قرار گرفته، افزایش نرخ مالیات‌ها جمله افزایش نرخ ۱۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده است. با این حال، چنین راهکاری نیز پیامدهای خاص تورمی خود را دارد و می‌تواند به افزایش قیمت کالاها و خدمات منجر شود. براین اساس، به نظر می‌رسد عملیاتی شدن ایده افزایش دوباره حقوق در سال، بیش از هر چیز به امکان تأمین منابع پایدار و غیرتورمی وابسته است. در غیر این صورت، اجرای این پیشنهاد ممکن است به افزایش فشارهای قیمتی در اقتصاد بینجامد؛ موضوعی که خودی می‌تواند بخشی از آثار مثبت افزایش حقوق را خنثی کند.

در نهایت باید دید در فرآیند بررسی لایحه بودجه و تعامل میان دولت و مجلس، چه تصمیمی درباره این پیشنهاد اتخاذ خواهد شد آیا منابع مشخص و قابل اتکالی برای اجرای آن پیش‌بینی می‌شود یا خیر.

مسئله فقط چند تراستی نیست

نقد کارشناسی به وضعیت موجود این است که تمرکز صرف بر چند نام یا چند پرونده خاص، صورت مسئله را کوچک می کند. مسئله اصلی، ساختاری است که امکان چنین تخلفاتی را فراهم کرده است. چه نهادی تصمیم به واگذاری فروش نفت گرفته؟ چه تضمین هایی اخذ شده؟ در صورت تخلف، مسیر حقوقی و اجرایی بازپس گیری منابع چگونه تعریف شده؟ و مهم تر از همه، چه نهادی پاسخ گوی نهایی است؟

تا زمانی که پاسخ این پرسش ها روشن نشود، حتی برخورد قضایی قاطع هم نمی تواند نقش بازدارنده کامل داشته باشد. تجربه نشان داده است که برخورد با معلول، بدون اصلاح علت، تنها به تغییر بازیگران منجر می شود، نه تغییر بازی.

اعتماد عمومی؛ حلقه مفقوده حکمرانی ارزی

یکی از پیامد های پنهان اما مهم پرونده تراستی ها، فرسایش اعتماد عمومی است. افکار عمومی زمانی که می شوند میلیاردها دلار در چرخه‌ای نامعلوم سرگردان مانده، این پرسش را مطرح می کند که چرا فشار کمبود ارز، همواره از جیب مردم جبران می شود، اما مسیرهای هدرفت منابع، سال ها بدون شفاف سازی باقی می ماند. بازسازی این اعتماد، صرفاً با اعلام پیگیری قضایی محقق نمی شود. شفاف سازی قراردادها، انتشار چارچوب های واگذاری، مشخص شدن نقش دستگاه‌ها و اعلام عمومی نتایج رسیدگی ها، حداقل انتظاری است که می تواند این شکاف را ترمیم کند.

آزمونی فراتر از یک پرونده قضایی

پرونده تراستی ها، امروز به یک آزمون جدی برای حکمرانی اقتصادی کشور تبدیل شده است. آزمونی که نشان می دهد آیا نظام مدیریت گیری قادر است از تجربه‌های پرهزینه گذشته درس بگیرد یا نه. اگر نتیجه این پیگیری ها، صرفاً مختومه شدن چند پرونده بدون اصلاح سازوکارها باشد، باید منتظر بازتولید همین چرخه با اسامی و ساختارهای جدید بود.

اما اگر این ورود، به بازتعریف نقش دولت، شفاف سازی مسیر فروش نفت و الزام عملی به بازگشت ارز منجر شود، می تواند نقطه عطفی در مدیریت منابع راهبردی کشور باشد. نفت، فقط یک کالای صادراتی نیست؛ ستون فقرات اقتصاد ملی است و هر خلل در مدیریت آن، دیرپا زود خود را در سفره مردم نشان می دهد.

مسئله تراستی ها، امروز دیگر یک موضوع تخصصی محدود به اتاق های درسیسته نیست؛ این پرونده به مطالبه‌ای عمومی تبدیل شده است. مطالبه‌ای برای شفافیت، پاسخ گویی و پایان دادن به دور پاطلی که هزینه‌اش را جامعه می پردازد.



تراستی‌ها؛ مسیر پرابهام فروش نفت و ارزهایی که برنگشت

گزارش

سازوکاری که برای دور زدن تحریم‌ها متولد شد، حالا به یکی از چالش‌های جدی حکمرانی ارزی کشور تبدیل شده است. در سال هایی که اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌ها به مسیرهای غیرمتعارف روانه شد، سازوکارهایی شکل گرفت که قرار بود راه نجات باشند؛ اما برخی از آن‌ها، به مرور به نقطه آسیب بدل شدند. «تراستی‌ها» یکی از همین سازوکارها هستند؛ ساختارهایی که با هدف تسهیل فروش نفت در شرایط تحریم ایجاد شدند، اما حالا نشانمان بیش از آنکه یادآور دور زدن تحریم باشد، با ابهام، تعهدات انجام نشده و ارزهای بازگشته گره خورده است.

واقعیت این است که مسئله تراستی‌ها، یک موضوع صرفاً فنی یا حقوقی نیست؛ این پرونده مستقیماً به اعتماد عمومی، انضباط ارزی و نحوه حکمرانی بر منابع ملی مربوط می شود. وقتی منابعی در مقیاس میلیارد دلاری، خارج از دید شفاف افکار عمومی و حتی بعضاً نهادهای نظارتی جابه‌جای شود، طبیعی است که هراختلالی در بازگشت ارز، به بحرانی فراتر از یک تخلف اقتصادی تبدیل شود.

تراستی‌ها؛ از راه حل اضطراری تا گلواکه مزمن
تراستی‌ها در مقطع شکل گیری، پاسخ به یک ضرورت بودند. فروش نفت باید ادامه پیدا می کردو کانال‌های رسمی یکی پس از دیگری مسدود می شدند. در چنین شرایطی، واگذاری فروش نفت به شرکت‌ها یا ساختارهایی که امکان فعالیت در فضای تحریمی داشتند، به عنوان یک راه حل موقت پذیرفته شد؛ اما مشکل از جایی آغاز شد که «موقت» به «رویه» تبدیل شد و نظارت، شفافیت و ضمانت اجرا، همبای گسترش این سازوکار رشد نکرد. بخش قابل توجهی از گزارش‌های رسانه‌ای سال‌های اخیر نشان می دهد که در بسیاری از این واگذاری‌ها، چارچوب روشنی برای قیمت گذاری، زمان بازگشت ارز، نحوه انتقال منابع و حتی تعیین مسئولیت نهایی وجود نداشته است. همین خلأ، تراستی‌ها را به موجودیتی میان‌زمین و آسمان تبدیل کرد؛ نه آن قدر دولتی که پاسخ‌گو باشند و نه آن قدر خصوصی که قواعد سخت بازار بر آن‌ها حاکم شود.

ارزهای بازگشته؛ عده‌هایی که بی صدا بحران می‌سازند

وقتی از «عدم بازگشت ارز» صحبت می‌شود، موضوع فقط یک

ایران چگونه می‌تواند طرح مسیر ترامپ را از انتفاع اقتصادی ساقط کند؟

ایران می‌تواند با تسریع در اجرای پروژه‌های زیربنایی از جمله راه‌آهن کاله، جلفا و فعال‌سازی کریدورهای جایگزین، مسیرهای پیشنهادی رقیب از جمله کریدور ترامپ را از مزیت اقتصادی ساقط کند. طرح «مسیر ترامپ» زمینه‌ساز تثبیت حضور بلندمدت نظامی - امنیتی آمریکا در مجاورت مرز راهبردی ایران و ارمنستان است، مسیری که می‌تواند موازات‌های ژئوپلیتیک منطقه را درگرو کند. طرح «مسیر ترامپ» بر اساس بنیانه مشترک رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان در ۸ اوت ۲۰۲۵ مطرح شد.

این طرح دارای همان مشخصات «کریدور زنگزور» است، با این تفاوت که بناست توسط یک شرکت آمریکایی احداث شده و به مدت ۹۹ سال در اجاره آن باقی بماند. این مسئله در عمل به معنای تضمین حضور رسمی و بلندمدت آمریکا در منطقه راهبردی قفقاز، به ویژه در مجاورت مرز حیاتی ایران و ارمنستان خواهد بود. بر اساس توافق صورت‌گرفته میان مارکو روییو وزیر امور خارجه آمریکا و آزارات میرزویان وزیر امور خارجه ارمنستان در ژانویه ۲۰۲۴، آمریکا ۷۴ درصد و ارمنستان ۲۶ درصد از سهام شرکت توسعه «TRIPP» را در اختیار خواهند داشت و مدیریت و تأمین امنیت این مسیر نیز به این شرکت واگذار می‌شود. بدین ترتیب، بستر حضور امنیتی آمریکا، هرچند در قالب یک شرکت امنیتی خصوصی در مجاورت مرزهای ایران فراهم خواهد شد.

در مقابل، برخی معتقدند این مسیر می‌تواند فرصتی ترانزیتی و تجاری برای ایران ایجاد کند؛ استدلالی که بر استفاده تاریخی ایران از این مسیر پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی استوار است. با این حال، شرایط سیاسی و امنیتی قفقاز جنوبی در مقطع کنونی به‌طور بنیادین تغییر کرده و بازیگر اصلی این پروژه با اهداف کلان ژئوپلیتیک، امنیتی و اقتصادی در پی راه‌اندازی آن است.

از آنجا که این مسیر در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اوراسیا و در مجاورت منابع راهبردی ایران، روسیه و چین قرار دارد، کنترل آن می‌تواند به ابزاری برای اعمال فشار بر این سه بازیگر تبدیل شود. بر این اساس، هدف اصلی این پروژه نه تسهیل تجارت منطقه‌ای، بلکه تأمین منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آمریکا در اوراسیای مرکزی ارزیابی می‌شود. در چنین چارچوبی، بهره‌برداری آزاد و بدون مانع ایران از این مسیر با تردیدهای جدی روبه‌رو خواهد بود.

آمریکا در سال‌های اخیر تلاش کرده است با بهره‌گیری از ابزارهای فشار در حوزه‌های دریایی، مانع از تجارت خارجی ایران، به‌ویژه صادرات نفت به چین شود. هرچند مطابق حقوق بین‌الملل، مسیرهای تجاری دریایی باید آزاد و بدون مانع باشند، اما واشنگتن با توسل به توفیق

عدد در ترازنامه نیست. هر دلار بازگشته، به معنای فشار بیشتر بر بازار ارز، محدودیت در تأمین کالاهای اساسی، تنگنای واردات مواد اولیه تولید و در نهایت، انتقال هزینه به زندگی روزمره مردم است. در چنین شرایطی، انباشت تعهدات ارزی ایفاننده، عملاً به یک عامل تشدیدکننده بحران تبدیل می‌شود. اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه درباره ورود به پرونده تراستی‌هایی که نفت دریافت کرده‌اند اما از فروش را بازنگرانده‌اند، از همین زاویه اهمیت پیدا می‌کند. این سخنان پیام روشنی دارد و آن‌هم برای دوره بی‌سابق‌وکتاب بودن فروش نفت، دست‌کم در سطح شعار، باید به پایان برسد.

وقتی از (عدم بازگشت ارز) صحبت می‌شود، موضوع فقط یک عدد در ترازنامه نیست. هر دلار بازگشته، به معنای فشار بیشتر بر بازار ارز، محدودیت در تأمین کالاهای اساسی، تنگنای واردات مواد اولیه تولید و در نهایت، انتقال هزینه به زندگی روزمره مردم است

جزئیات افزایش ۹۹۶ همتی منابع بودجه ۱۴۰۵ در کمیسیون تلفیق

جزئیات افزایش ۹۹۶ همتی منابع عمومی بودجه ۱۴۰۵ در مصوبات کمیسیون تلفیق نشان می‌دهد دو پایه اصلی این رشد مرتبط با جهش درآمدهای گمرکی را رشد ۳۲۲ هزارمیلیاردی و افزایش ۳۷۸ هزارمیلیاردی استقراض از صندوق توسعه ملی است و هر دو این ردیف‌های درآمدی ناشی از تغییر نرخ محاسباتی ارز در بودجه افزایش یافته است. بررسی مصوبات کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که این کمیسیون منابع و مصارف عمومی بودجه دولت را ۹۹۶ هزار میلیارد تومان افزایش داده است؛ به‌طوری‌که حجم منابع عمومی بودجه از حدود ۵۲۲۰ همت در لایحه دولت به ۶۲۱۶ همت رسیده‌و رشد ۱۹ درصدی تجربه کرده است. براساس این مصوبات، بخش عمده افزایش منابع ناشی از رشد نرخ ارز مبنای محاسبات بودجه‌ای بوده است. نرخ ارز مرکز مبادله طلاوارز که در لایحه دولت ۷۵ هزار تومان پیش‌بینی شده بود، در مصوبه کمیسیون تلفیق به ۱۲۳ هزار تومان افزایش یافته است؛ تغییری که تأثیر مستقیم بر رشد درآمدهای گمرکی و افزایش منابع ناشی از استقراض از صندوق توسعه ملی داشته است.

درآمدهای جاری

در بخش درآمدهای جاری که درآمدهای پایدار بودجه عمومی محسوب می‌شود، مجموع درآمدهای دولت از ۳۰۴۰۰ همت در لایحه دولت به ۳۰۹۲۰ همت افزایش یافته که معادل ۱۵ درصد رشد است. در این میان، درآمدهای مالیاتی فقط ۲ درصد افزایش داشته اما درآمدهای گمرکی که دلیل تغییر نرخ ارز با جهش ۱۳۵ درصدی، از ۲۳۸ همت به ۵۵۹ همت رسیده است. همچنین درآمدهای ناشی از مالکیت دولت ۸۵ همت و درآمدهای متفرقه دولت ۴۶ همت افزایش یافته‌اند. در بخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که شامل درآمدهای حاصل از فروش نفت و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول در قالب مولدسازی می‌شود، تغییر معناداری در کمیسیون تلفیق اعمال نشده و رقم ۲۷۵ هزارمیلیارد تومان پیش‌بینی شده در لایحه دولت مورد تأیید کمیسیون قرار گرفته است.

واگذاری دارایی‌های مالی

در مقابل، بیشترین تغییرات مربوط به واگذاری دارایی‌های مالی است. در این بخش که شامل استقراض از صندوق توسعه ملی، فروش اوراق مالی اسلامی و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی می‌شود، کمیسیون تلفیق افزایش قابل توجهی اعمال کرده است. مطابق مصوبات، استقراض از صندوق توسعه ملی از ۵۶۰ همت در لایحه دولت به ۹۷۰ همت افزایش یافته که نسبت به لایحه، ۶۴ درصد رشد نشان می‌دهد. همچنین منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی با افزایش ۴۰ همتی به ۵۰ همت رسیده که بیانگره برابر شدن این ردیف درآمدی نسبت به پیش‌شهاد اولیه دولت است. سقف فروش و واگذاری اوراق مالی اسلامی نیز با افزایش ۶۰ همتی نسبت به لایحه دولت، به حدود ۱۰۰ همت در بودجه سال ۱۴۰۵ رسیده است. مجموع این تغییرات نشان می‌دهد افزایش منابع عمومی بودجه در مصوبات کمیسیون تلفیق، بیش از هر چیز نتیجه تغییر نرخ محاسباتی ارز از ۷۵ هزار تومان به ۱۲۳ هزار تومان است که آثار آن در رشد درآمدهای گمرکی و رشد ریالی استقراض از صندوق توسعه ملی متجلی شده و سایر منابع درآمدی رشد قابل توجهی نداشته است.



تغییر موازنه میدانی به نفع یاکو، در استفاده از شاخه عبوری جمهوری آذربایجان در کریدور شمال- جنوب با چالش‌هایی مواجه بوده و در مواردی، اختلال در عبور کامیون‌های ترانزیتی ایرانی گزارش شده است. این وضعیت در حالی رخ داده که جمهوری آذربایجان برای ارتباط با منطقه نخجوان و ترکیه همچنان به مسیر ایران وابسته است.

در صورت احداث مسیر «TRIPP» و کاهش وابستگی به یاکو به ایران برای اتصال به نخجوان و ترکیه، اهرم‌های متقابل تهران در حوزه ترانزیت به‌طور محسوسی تضعیف خواهد شد. افزون بر این، اگر برنامه آمریکا برای ارتقای جایگاه کشورهای قفقاز جنوبی در ساختارهای غربی، از جمله نزدیکی به ناتو یا تبدیل شدن به متحدان اصلی ایران به این کشورها نیز محدودتر خواهد شد.

با توجه به این مجموعه تهدیدات، ضروری است دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام موضع رسمی درباره مخالفت با این طرح، از هرگونه تثبیت حضور اقتصادی امنیتی آمریکا در مجاورت مرزهای راهبردی خود جلوگیری کند. در این چارچوب، تسریع در اجرای مقابله با این مسیر، می‌تواند از ابزارهایی نظیر بازرسی‌های طولانی، وضع عوارض سنگین، الزام به اخذ مجوزهای خاص، ممنوعیت عبور بدون اطلاع قبلی یا حتی انسداد کامل مسیر استفاده کند؛ اقداماتی که می‌تواند تجارت ایران با ارمنستان و همچنین مسیرهای ترانزیتی عبوری از خاک ایران را با بی ثباتی مواجه سازد.

از سوی دیگر، اجرای این طرح می‌تواند جایگاه ژئوپلیتیک ایران در کریدور شمال- جنوب را نیز با مخاطره روبه‌رو کند. ایران پیش از این نیز پس از جنگ دوم قره‌باغ و

وقتی کشی به وقت ساماندهی نیروهای شرکتی



وقتی کشی به وقت ساماندهی نیروهای شرکتی

رئیس‌کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران بیان اینکه ساماندهی نیروهای شرکتی با خبر و پیش‌نویس محقق نمی‌شود، گفت: صادقانه باید گفت اراده‌ای برای حل این چالش وجود ندارد.

اشتغال یکی از مسائل مهم اقتصادی هرکشوری است. سال‌هاست استخدام رسمی دولتی بسیار محدود شده و افراد در قالب نیروی شرکتی و حتی قراردادی مشغول به فعالیت هستند؛ شرایطی که حداقل امنیت شغلی و افزایش استرس را برای شاغلان حوزه کاری به ارمغان آورده است.

کارتدوین «پیش‌نویس ساماندهی» اگرچه در ظاهر امیدبخش است، اما برای کارگرنی که عمرشان پای وعده‌ها رفته، تضمینی به وجود نمی‌آورد.

سمیه گلپور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در این خصوص به خبرنگار مهر، گفت: مسئله نیروهای شرکتی دیگر فنی و اداری نیست؛ مسئله اعتماد فرسوده، معیشت زخمی و تعلیقی است که عملاً به یک ظلم سیستماتیک برای اداری صدها هزار نفر در سراسر کشور تبدیل شده است.

وی درباره تدوین پیش‌نویس ساماندهی نیروهای شرکتی، پس از کش و قوس‌های مکرر و نقاوت آن با مصوبات قبلی مجلس، افزود: نقاوت اصلی در نهاد متولی و رویکرد آن است. مصوبات قبلی، عمدتاً مبتنی بر قوانین عادی مجلس بود که در مراحل نهایی، با به دلیل ابهامات ساختاری با ایرادات شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت، متوقف شد.

وی ادامه داد: این بار، دولت با نهادهای مرتبط با دولت، سعی دارند با فرمولاسیون جدیدی که شاید چارچوب قانونی محکم‌تری داشته باشد و از پیچیدگی‌های اجرایی کمتری برخوردار باشد، وارد شوند؛ اما تا زمان انتشار متن دقیق پیش‌نویس، این فقط و صرفاً یک امید واهی باقی می‌ماند. تجربه‌های گذشته نشان داده که صرف تدوین پیش‌نویس، به معنای رفع تعلیق نیست و حد گذتار درمانی است. این نماینده جامعه کاری درباره راه‌های تری مناع اجرای این ساماندهی، اظهار کرد: در گذشته همین‌طور منابع، نحوه مدیریت هزینه‌ها و یار مالی ناشی از تبدیل وضعیت نیروها به پیمانکاران و همچنین نگرانی ساختاری نهادهای نظارتی مبنی بر افزایش ناگهانی حجم نیروی قراردادی ثابت در بدنه دولت بود. اگر پیش‌نویس جدید صرفاً بر تبدیل وضعیت تأکید کند اما منابع پایدار مالی آن مشخص نباشد، همان مسیر تکراری، تکرار خواهد شد.

گلپور درباره برون رفت از این معضل یادآور شد: راه حل واقعی این است که سیستم جذب و استخدام و یکباره از حالت شرکتی خارج شود و نهاد ناظر اصلی بر این نیروها، مستقیماً دولت باشد، نه شرکت‌های واسط.

بازی با کلمات و ادامه دار بودن یک چالش

یکی از نگرانی‌های کارگران، ساماندهی به معنای استخدام مجدد تحت یک چارچوب جدید شرکتی، نه تبدیل وضعیت قطعی است. رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در این خصوص گفت: این نگرانی بجاست. در ادبیات اداری ایران، واژه «ساماندهی» اغلب به معنای «مدیریت بهتر وضعیت موجود» است نه رفع ریشه‌ای مشکل. در حالی که برای کارگشرکتی، ساماندهی واقعی یعنی خروج از چتر پیمانکاران و اتصال مستقیم به ردیف بودجه دولتی، با حفظ سابقه و مزایای خود. گلپور عنوان کرد: اگر پیش‌نویس صرفاً سازوکار جدیدی برای قرارداد بستن با شرکت‌های واسطه جدید تعریف کند، بازی با کلمات است و عملاً تعلیق ادامه می‌یابد.

وی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: جدیدت دولت در این حوزه همواره زیر سوال است. اگرچه نیاز به ثبات نیروی کار در دستگاه‌های دولتی برای بهره‌وری امری بدیهی است، اما در عمل، فشارهای ذی‌نفعان قدرتمند که از طریق همین ساختار پیمانکاری منافی کسب می‌کنند، بسیار سنگین است. ما شاهد بودیم که حتی مصوبات قاطع مجلس نیز نتوانست این منابع را نادیده بگیرد.

وی تصریح کرد: در واقع تا زمانی که یک عزم ملی با پشتوانه قوی برای حذف کامل نقش واسطه‌ها وجود نداشته باشد، این طرح در بهترین حالت به یک تعدیل جزئی تبدیل خواهد شد. حقیقتاً به عنوان یک نماینده کاری سؤل من از دولت این است که دولت در حذف ارز ترجیحی استدلال می‌کند که نمی‌خواهد یارانه را از سرزنجیره به انتهای زنجیره برساند و واسطه‌ها با حذف کند تا منفعت یارانه را به مردم برسد؛ اگر آن استدلال درست بود، چرا در موضوع نیروهای شرکتی که به مراتب واجب‌تر است سرزنجیره یعنی پیمانکاران حذف نمی‌شوند تا دستمزد مستقیم به کارگرسد؟ این رویکرد متناقض، چگونه توجیه می‌شود؟ گلپور بیان اینکه ساماندهی نیروهای شرکتی با خبر و پیش‌نویس محقق نمی‌شود، اضافه کرد: با یاباید تصمیمی روشن و یاساخو گرفته شود، باید با صدقانه گفت اراده‌ای برای حل این چالش وجود ندارد. ادامه این وضعیت معلق، فقط تعلیق شغلی نیست؛ تعلیق کرامت انسان کارگر است.

انبات شایستگی در کار با در تصمیم‌گیری؟

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران در ادامه سخنان خود به سخنان سخنگوی دولت اشاره کرد و گفت: اخیراً سخنگو دولت درباره نیروهای شرکتی گفته است که برای ساماندهی، ابتدا باید «شایستگی این افراد بررسی شود. آیا این حرف را منطقی نمی‌دانید؟ بالاخره دولت باید بداند چه کسانی قرار است جذب شوند». وی افزود: این جمله در ظاهر منطقی است، اما در باطن یک توهمین به کارگران شرکتی است که حتی یک عذرخواهی هم در پی آن انجام نشده است. نیروی شرکتی کسی نیست که تازه از راه رسیده باشد؛ این افراد سال‌ها است در حساس‌ترین بخش‌های خدمات عمومی، نفت، بهداشت، شهرداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی و... کار می‌کنند. اگر قرار بود شایستگی نداشته باشند، چرا همین دولت و دولت‌های قبل سال‌ها به کارشان تکیه کرده‌اند؟ مسئله ساماندهی، شنجش کارگر نیست؛ مسئله این است که چرا دستمزد کارگر باید از جیب پیمانکار رد شود. این نماینده جامعه کاری بیان کرد: آوردن بحث شایستگی وسط بحث، در واقع پاک کردن صورت مسئله و انداختن تقصیر به گردن ضعیف‌ترین حلقه زنجیره است. اگر قرار باشد بعد از ۱۰ سال کار، هنوز به نیروی شرکتی بگویند «باید شایستگی‌ات بررسی شود» صادقانه بگویم، این ساماندهی نیست، تعویق تصمیم‌گیری است.

وی تأکید کرد: نیروی شرکتی شایستگی خود را با سال‌ها کار ثابت کرده است؛ این سیستم است که باید توضیح دهد چرا هنوز به پیمانکاران وابسته مانده است. بررسی شایستگی بعد از سال‌ها کار، اسمش اصلاح نیست؛ اسمش جابه‌جایی مسئولیت از دولت به کارگر است.

گلپور گفت: من باصل بررسی شایستگی مخالف نیستم بلکه با تحقیر پنهان در این ادبیات از سوی سخنگوی دولت مخالف هستم. وقتی کسی سال‌ها کار کرده، مستقیم است که باید توضیح دهد چرا هنوز به پیمانکاران وابسته مانده است. نایق سرکار بوده و اگر چنین است، اول باید از کسانی سؤال کرد که این نیروها را به کار گرفته‌اند، نه از خود کارگر.



زندگ خطر برای اجرای قانون جوانی جمعیت

📌 مرکز پژوهش‌های مجلس، با انتشار گزارشی به بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور با تمرکز بر اعتبارات خانواده، زنان، جمعیت، نوجوانان و جوانان پرداخت.

دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش این مرکز در گزارش «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور (۱)» اعتبارات خانواده، زنان، جمعیت، نوجوانان و جوانان «اورده که مقایسه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ با قانون بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد سهم اعتبارات دستگاه‌های متولی موضوع های خانواده، زنان، جمعیت، نوجوانان و جوانان ۳۳.۶۱ افزایش به ۳.۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. در ادامه این گزارش عنوان شده که با این حال کاهش یودن اعتبارات اندک برنامه «تحکیم نهاد خانواده، جوانی جمعیت، توانمندسازی بانوان و امور جوانان» و نقش نداشتن دستگاه‌های مهم اجرایی ذیل این برنامه، مشخص نبودن متولی اعتبارات جمعیتی، حذف تسهیلات فرزندآوری، در نظر نگرفتن معافیت مالیاتی اشخاص حقیقی؛ موضوع ماده (۱۸) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، در نظر نگرفتن احکام مربوط به مسکن و زمین رایگان، عدم افزایش امتیاز کمک هزینه عائلتمندی و حق اولاد، موضوع ماده (۱۶) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تمرکز قالب‌محور در موضوع نوجوان به جای توجه مسئله‌محور به آن، حذف تسهیلات ازدواج جوانان، حداقلی بودن اعتبارات حوزه جوانان در وزارت ورزش و جوانان و نبود سهم مشخص برای امور جوانان از اعتبارات متفرقه وزارت ورزش و جوانان از جمله چالش‌های لایحه هستند.

در این گزارش تصریح شده که در این راستا، مشخص کردن دبیرخانه ستاد ملی جمعیت به‌عنوان متولی اعتبارات جمعیتی، اعمال معافیت مالیاتی اشخاص حقیقی؛ موضوع ماده (۱۸) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و در نظر گرفتن ماده (۱۶) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با موضوع افزایش امتیازهای کمک‌هزینه عائلتمندی و حق اولاد در جدول الزامات مصارف لایحه بودجه تعیین سهم ۴۰ درصدی از اعتبارات متفرقه وزارت ورزش و جوانان از محل ۰.۱۷ درصد مالیات بر ارزش افزوده ۴ درصد به جوانان (ازواج، مهارت‌آموزی شغلی و اوقات فراغت) در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ پیشنهاد می شود.

بخش دیگری از گزارش مرکز پژوهش‌ها به نقاط ضعف و قوت لایحه اشاره شده و آمده که بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می دهد اعتبارات دستگاه‌های متولی موضوعات خانواده، زنان، جمعیت، نوجوانان و جوانان شامل معاونت امور زنان و خانواده، دبیرخانه ستاد ملی جمعیت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان به ۳.۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که سهم آن از مجموع عمومی دولت تقریباً ۰.۵۷ درصد است و حدود ۹۳ درصد از این اعتبارات متعلق به معاونت امور جوانان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. در این گزارش به موارد مهم اشاره شده و آمده که اعتبارات پیش بینی شده برای برنامه تحکیم نهاد خانواده، جوانی جمعیت، توانمندسازی بانوان و امور جوانان ۲۱.۲۶ درصد کاهش به نسبت قانون بودجه سال ۱۴۰۴ به ۲.۲۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. در گزارش این نهاد پژوهشی ذکر شده که اعتبارات برنامه از محل یک درصد از هزینه‌های شرکت‌های دولتی ذیل (جدول شماره ۱۲) از ۹۲۰ میلیارد تومان در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ با ۵۴.۳ درصد کاهش به ۲۲۰ میلیارد تومان تقلب یافته و بدون متولی است.

در ادامه به نقاط قوت در موضوع جوانی جمعیت اشاره شده و آمده که به‌رغم اتخاذ سیاست‌های اعلامی یکدیگر که به مادران با اعتبار ۱۳ هزار میلیارد تومان، اما متولی این اعتبار مشخص نیست. همچنین مجموع اعتبار در نظر گرفته شده برای اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ۸ هزار میلیارد تومان است که در مقایسه با قانون بودجه سال ۱۴۰۴ صرفاً با ۱.۳ درصد رشد همراه بوده است. در ادامه تصریح شده که این در حالی است که دبیرخانه ستاد ملی جمعیت به‌عنوان راهبر سیاست‌های جمعیتی به‌ویژه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت شناخته می شود و ایفای نقش این دبیرخانه در اجرای سیاست مذکور می تواند مؤثر باشد؛ اما در لایحه بودجه دبیرخانه نقش تضعیف شده‌ای دارد؛ بنابراین، مسئولیت دستگاه متولی با ابهام مواجه شده و نظارت‌پذیری مقدر در اصل (۵۵) قانون اساسی توسط دیوان محاسبات مدخوش خواهد شد.

در این گزارش گفته شده که تسهیلات فرزندآوری از لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ حذف شده است. با وجود اختیار دولت در خصوص پیش‌بینی منابع برای تسهیلات فرزندآوری، اما حذف این سیاست از لایحه بودجه که در قوانین بودجه سنواتی به‌صورت مداوم دیده شده و پشتوانه اجرای چندین ساله رازنه، پدیدار شدن فضای ناطمبانی در جامعه نسبت به حمایت باثبات و مداوم دولت از موضوع فرزندآوری خانواده‌ها راشد می بخشد. لذا مطلوب است مجلس شورای اسلامی ذکر شده که تسهیلات ازدواج جوانان از لایحه بودجه حذف شده است. با وجود تبصره (۱۲) قانون بودجه سال ۱۴۰۴ در لایحه افزایش یافته‌اند که این موضوع خلاف صدار اصل (۵۲) قانون اساسی است. در ادامه گفته شده که معافیت مالیاتی اشخاص حقیقی؛ موضوع ماده (۱۸) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و بند «۵» تبصره (۱۲) قانون بودجه سال ۱۴۰۴ در لایحه در نظر گرفته نشده است.

در بخش دیگری از این گزارش اشاره شده که احکام مربوط به مسکن و زمین رایگان ذیل قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت؛ موضوع بندهای «ب» و «ت» تبصره «۱» قانون بودجه سال ۱۴۰۴ از لایحه بودجه حذف شده‌اند. در موضوع نوجوان هم‌با این شده که برخلاف گذشته، نوجوانان در مقایسه با کودکان تفاوت‌های بنیادینی پیدا کرده‌اند. اما در تمام سیاست‌های پیش بینی شده در لایحه، نوجوانان هم‌با کودکان مخاطبان برنامه معرفی شده‌اند که این مسئله ممکن است به پدیده «کودک‌انگاری نوجوان» در اجرای برنامه منجر شود.

در این گزارش گفته شده که به جای توجه مسئله‌محور و برنامه‌های به موضوع نوجوان، عمدتاً عملکرد و اقدام‌های مبتنی بر قالب‌های تعریف شده‌اند. در ادامه این گزارش به موضوع جوانان پرداخته شده و آمده که اعتبارات اختصاص داده شده به امور جوانان در وزارت ورزش و جوانان بسیار اندک و به‌طور تقریبی، حداقل ۵.۹ درصد کل اعتبارات وزارت ورزش و جوانان برآورد می شود. در این گزارش ذکر شده که تسهیلات ازدواج جوانان از منابع در لایحه بودجه برای تسهیلات ازدواج اختیار دولت در خصوص پیش‌بینی منابع در لایحه بودجه برای تسهیلات ازدواج اختیار داشته، اما حذف این سیاست ریشه‌دار و مهم تبعات منفی را در تشکیل خانواده جوانان در پی خواهد داشت. لذا سیاست است که مجلس شورای اسلامی در خصوص مبلغ تسهیلات ازدواج برای هر فرد متناسب با تورم سالیانه، شیوه و جزئیات بازپرداختی شامل دوره زمانی و تضمین، تکلیف بانک‌ها به انتشار تعداد تسهیلات پرداختی و افراد در نوبت به‌صورت عمومی و همچنین تمهید ویژه برای کاهش تعداد افراد در صف انتظار برای دریافت تسهیلات ازدواج تصمیم بگیرد.

■ چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴ ■ ۲۹ شعبان ۱۴۴۷ ■ ۱۸ February ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۰۱

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



صنعت موبایل ایران؛ بازار بزرگ سهم تولید ناچیز

گزارش

📌 مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی به ارزیابی چالش‌ها، سیاست‌ها و مسیرهای توسعه در صنعت گوشی

تلفن همراه در ایران پرداخت.

دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌ها در گزارش «صنعت گوشی تلفن همراه در ایران: چالش‌ها، سیاست‌ها و مسیرهای توسعه» آورده که صنعت گوشی تلفن همراه در جهان طی دهه‌های اخیر با تحولات اساسی مواجه شده و زنجیره ارزش آن از ساختاری یکپارچه به شبکه‌ای پیچیده از تولیدکنندگان قطعات، طراحان و برندهای بین‌المللی تغییر یافته است. در ادامه ذکر شده که سهم اصلی ارزش افزوده در این صنعت به تحقیق و توسعه، طراحی، مدیریت برند و بازاریابی اختصاص دارد و بخش مونتاژ سهمی محدود از ارزش کل محصول دارد.

بررسی وضعیت ایران نشان می دهد بازار سالیانه تلفن همراه کشور با تقاضای پایدار حدود ۱۵ میلیون دستگاه و ارزشی سالیانه ۳ تا ۲ میلیارد دلار، یکی از ارزبرترین حوزه‌های وارداتی اقتصاد ملی است.

در این گزارش گفته شده که با وجود تلاش‌های گذشته برای راه‌اندازی تولید داخلی، سهم تولیدکنندگان ایرانی از بازار همچنان ناچیز بوده و عمده نیاز کشور از محل واردات برندهای خارجی تأمین می شود. مطالعه سیاست‌های صنعتی برخی کشورهای ظهور در این حوزه، از جمله پاکستان و هند، نشان می دهد ترکیبی از سیاست‌های تعرفه‌ای هدفمند، الزام به همکاری برندهای خارجی با تولیدکنندگان داخلی، ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری و توجه به انتقال فناوری می تواند مسیر توسعه صنعت موبایل را هموار سازد.

در بخش دیگری از گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده که در ایران نیز ضروری است سیاست‌گذاری این حوزه با رویکرد تدریجی

و واقع‌بینانه انجام شود و استراتژی ورود به صنعت بر مبنای اهداف مشخصی مانند مدیریت ارزی و حمایت از اشتغال و

با اتکا به مزیت‌های بالقوه کشور

از جمله سرمایه انسانی توانمند،

اندازه بازار قابل قبول و فرصت‌های

ارائه خدمات شخصی‌سازی شده

به مصرف‌کنندگان طراحی گردد.

اجرای این چارچوب می تواند ضمن

کاهش ارزشی، فرصت‌های جدیدی

برای اشتغال و توسعه فناوری ایجاد

کرده و گامی در جهت شکل‌دهی

به برندهای ملی و ارتقای جایگاه

ایران در زنجیره ارزش جهانی این

صنعت باشد.

در بخش یافته‌های کلیدی هم

به ساختار بازار داخلی اشاره شده و آمده که تا شهریور ۱۴۰۴ در مجموع حدود ۱۰۶ میلیون دستگاه گوشی تلفن همراه هوشمند، دکمه‌ای و تبلت در کشور ثبت شده است. سهم برندهای مختلف از تعداد گوشی‌های تلفن همراه ثبت شده در کشور عبارت است از: سامسونگ ۴۶ درصد، شیائومی ۲۳ درصد، نوکیا ۱۳ درصد، اپل ۶ درصد که باید مدنظر باشد. از نظر ارزش بازاری، اپل به دلیل قیمت بالاتر محصولات، سهم بالاتری از سامسونگ دارد.

در این گزارش گفته شده که بیش از ۸۰ درصد گوشی‌های مصرفی زیر ۳۰۰ دلار قیمت دارند.

در ادامه به الگوی واردات و ارزشی اشاره شده و آمده که سالیانه حدود ۱۵ میلیون دستگاه گوشی تلفن همراه در کشور مصرف می شود. سالیانه حدود ۳ تا ۲ میلیارد دلار از صرف گوشی تلفن همراه در کشور می شود. نیمی از ارزش تخصیص یافته صرف گوشی‌های بالای ۳۰۰ دلار می شود که تنها ۲۰ درصد بازار را پوشش می دهد. در ادامه به تجربه بین‌المللی اشاره شده و آمده که پاکستان با مونتاژ محلی ۱۰، اکنون ۹۵ درصد نیاز بازار خود را پوشش داده و به صادرات نیز رسیده است. سیاست‌های کلیدی شامل تعرفه‌گذاری پلکانی، الزام برندهای خارجی به همکاری با تولیدکنندگان داخلی و معافیت‌های مالیاتی بوده است.

در این گزارش به هند اشاره شده و بیان شده که با طرح‌های «Make in India» و «PLI» توانسته صادرات موبایل را از ۳۳۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۷ به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ برساند.

سیاست‌های اصلی شامل تعرفه بالا برای واردات گوشی کامل، تعرفه پایین برای قطعات و مشوق‌های تولید است.

در بخش پیشنهادات مرکز پژوهش‌ها هم سیاست پیشنهادی در حوزه گوشی‌های دکمه‌ای مورد اشاره قرار گرفته و آمده که تأمین ۱۰۰ درصد نیاز از تولید داخل، الزام به افزایش پلکانی عمق ساخت داخل از SKD به CKD، محدودسازی تعداد پروانه‌های تولید برای ایجاد صرفه مقیاس و حمایت از صادرات به کشورهای همسایه ذیل این محور باید مورد توجه قرار گیرد.

محور بعدی سیاست پیشنهادی در حوزه گوشی‌های هوشمند تا ۶۰۰ دلار است. در ذیل این محور استفاده از رویکرد ترکیبی تولید ODM/CKD/S و واردات،

تخصیص ارز مجزا و اولویت‌دار به تولیدکنندگان و برندهای داخلی با سیستم عامل بومی و هدف‌گذاری نسبت به واردات مدل‌های مشابه برند هم مطرح شده است.

محور بعدی سیاست پیشنهادی در حوزه گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار است. در این بخش هم به تعرفه پلکانی حداقل ۱۵ درصد برای مدیریت مصرف ارزی اشاره شده است.

سهم اصلی ارزش افزوده در این صنعت به تحقیق و توسعه، طراحی، مدیریت برند و بازاریابی اختصاص دارد و بخش مونتاژ سهمی محدود از ارزش کل محصول دارد

تولید دردی ماه به چالش‌هایی روبه‌رود؟

📌 نوسانات شدید ارزی، گرانی مواد اولیه و بی‌ثباتی مقررات، از جمله مهم‌ترین مشکلاتی است که صاحبان صنایع را درگیر خود کرده است.

در ماه‌های اخیر، صنعت کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان و پیچیده روبه‌رو شده است؛ چالش‌هایی که به گفته فعالان اقتصادی، ادامه فعالیت بسیاری از بنگاه‌های تولیدی را با دشواری مواجه کرده است. نوسانات شدید ارزی، گرانی مواد اولیه و بی‌ثباتی مقررات، از جمله مهم‌ترین مشکلاتی است که صاحبان صنایع به آن اشاره می‌کنند. در همین راستا نیز تازه‌ترین داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد که شاخص کل اقتصاد در دی‌ماه به عدد ۴۳.۴ رسیده است؛ رقمی که پایین‌ترین سطح در هفت‌ماه گذشته از خردادماه تاکنون محسوب می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد فضای کلی کسب‌وکار کشور همچنان در محدوده رکود قرار دارد و فعالیت‌های اقتصادی برای بیست‌ودومین ماه پیاپی روندی کاهشی را تجربه کرده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های بخش تولید کشور طی دی‌ماه سال جاری -به روایت فعالان اقتصادی- اشاره شده است.

نوسانات شدید و بی‌ثباتی نرخ ارز: به دلیل نوسانات شدید افزایشی نرخ ارز و شرایط قیمتی بی‌ثبات، اعمال برنامه‌ریزی برای خرید نهاده‌های مورد نیاز به بحران جدی تبدیل شده است و اعتبار بین‌المللی شرکت‌هایی که سال‌ها با شرکت‌های خارجی تجارت داشته‌اند لطمه خورده و نیازمند تدابیر جدید و مؤثر است.

کمبود افزایش شدید قیمت مواد اولیه و نهاده‌های تولید: به دلیل افزایش قیمت‌ها و اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه، شرکت‌ها فقط با اندک مواد اولیه باقی‌مانده تولید را سرپا نگه داشته‌اند؛ بنابراین با توجه به کمبود مواد اولیه در بازار طی ماه‌های آتی تعدیل نیرو سگین خواهد بود. تأمین سرمایه در گردش می‌تواند بخشی از مشکلات را مرتفع نماید و در نبود سایر سازوکارها، ممکن است این میزان تأمین سرمایه در گردش ناآید و انگشتن سایر موارد، اتلاف منابع محسوب شود. - عرضه مواد اولیه در بسیاری از کالاها به صورت انحصاری در بازار انجام می‌شود و مواعی در ثبت سفارش برای واردات مواد اولیه وجود دارد. - ارز تک‌نرخ برای شرکت‌های صادراتی شرایط بهتری را به وجود آورده بود که به‌خصوص در بلندمدت تأثیرات خودش را نشان می‌داد، اما نوسان شدید و دوتنرخ شدن مجدد نرخ ارز شرایط را برای کسب‌وکارها مهم‌تر و غیرقابل برنامه‌ریزی می‌کند. بر همین اساس شرکت‌هایی که تخصصی از داشتند و بانرخ پایین‌تری خریداری کرده‌اند، با جهش چندباره از شرایط غیرقابل پیش‌بینی مواجه شده‌اند و بازپرداخت از تخصصی را با قیمت‌های جهش یافته بایستی انجام دهند که با توجه به شرایط کنونی متضرر خواهند شد. بی‌ثباتی، مقررات خلق الساعه و فرسایش اعتماد فعالان اقتصادی: مدت‌هایی بی‌ثباتی و ارائه قوانین خلق الساعه بی‌دبی و به دنبال آن تلاطم بی‌ثباتی و رکودتوجه باعث شده حتی شرکت‌هایی که سال‌ها بدون دریافت تسهیلات و با تالش کارخانه خود را سرپا نگه داشته بودند، اینک برای تأمین هزینه‌های جاری خود حتی پرداخت حقوق و دستمزد نیز ناگرم نقدینگی مواجه باشند و آن‌ها را در آستانه ورشکستگی قرار داده است که به تعطیلی ناخواسته واحدهای تولیدی منجر خواهد شد. در مجموع، فعالان اقتصادی تأکید دارند که عبور از شرایط فعلی نیازمند مجموعه‌ای از تصمیمات هماهنگ و پایدار در حوزه ارزی، تجاری و مقرراتی است. آن‌ها خواستار ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری، تسهیل تجارت خارجی، تأمین مؤثر سرمایه در گردش و مقابله با انحصار در بازار مواد اولیه هستند. به اعتقاد این فعالان، بدون بازگشت ثبات و اعتماد به فضای کسب‌وکار، خطر تعمیق رکود، افزایش بیکاری و تعطیلی‌گسترده واحدهای تولیدی بیش از پیش جدی خواهد شد.

بحران ناترازی گاز از کجاست؟ بخاری‌های فرسوده یا مصرف لوکس



غیربهبته بازمی‌گردد، نه صرفاً به رفتار مصرف‌کننده.

کارور گاز مدیریت تقاضا با مشارکت دولت مردم‌ورشرکت‌های خصوصی

در چنین شرایطی، سیاست‌گذار به جای تکیه انحصاری بر توسعه میادین که به ۲۰ تا ۱۰ سال زمان و بیش از ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد، به سمت مدیریت تقاضا حرکت کرده است. طرح کارور گاز، مبتنی بر ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه، با هدف بهینه‌سازی مصرف خانگی و تأمین مالی از طریق فروش گواهی‌های صرفه‌جویی در ۲۳ مترمکعب گاز مصرف می‌کنند، در حالی که این عدد در دهک دهم حدود ۱۷ مترمکعب است. این فاصله نه به دلخبری، بلکه به فرسودگی تجهیزات و ضعف عایق‌بندی محیط بازمی‌گردد. وجود حدود ۱۵ میلیون بخاری کم‌بازده که هرکدام روزانه نزدیک به ۱۲ مترمکعب گاز می‌سوزانند، نشانه‌ای از همین مشکل ساختاری است. در مقابل، تمرکز صرف بر پوشش‌های کاهش دودرجه‌ای، اگرچه در یک طرح آزمایشی به صرفه‌جویی متوسط ۱.۹۳ مترمکعب در روز برای هر مشترک انجامید، اما این صرفه‌جویی رفتاری پایدار نیست. رفتار انسانی تابع عادت و شرایط روحی است. اما تجهیزات نو، هرروز وبی‌وقفه صرفه‌جویی ایجاد می‌کنند؛ صرفه‌جویی پایدار و مستمر. لذا ریشه عمده هدررفت گاز در بخش خانگی به وسایل گرمایشی

ریشه عمده هدررفت گاز در رفتار مصرفی مردم نیست

در فضای عمومی، گاه چنین القا می‌شود که ناترازی نتیجه مصرف لوکس دهک‌های بالا است. اما یافته‌های کارشناسی نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان میانگین مصرف دهک‌ها وجود ندارد و حتی شیب مصرف با افزایش رافه، به‌جز دهک دهم، اندکی کاهشی است. بررسی نسبت «مصرف به ازای هر مترمربع» تصویر روشن‌تری می‌دهد. دهک‌های پایین برای گرمایش هر مترمربع زیربنا حدود ۲۳ مترمکعب گاز مصرف می‌کنند، در حالی که این عدد در دهک دهم حدود ۱۷ مترمکعب است. این فاصله نه به دلخبری، بلکه به فرسودگی تجهیزات و ضعف عایق‌بندی محیط بازمی‌گردد. وجود حدود ۱۵ میلیون بخاری کم‌بازده که هرکدام روزانه نزدیک به ۱۲ مترمکعب گاز می‌سوزانند، نشانه‌ای از همین مشکل ساختاری است. در مقابل، تمرکز صرف بر پوشش‌های کاهش دودرجه‌ای، اگرچه در یک طرح آزمایشی به صرفه‌جویی متوسط ۱.۹۳ مترمکعب در روز برای هر مشترک انجامید، اما این صرفه‌جویی رفتاری پایدار نیست.

رفتار انسانی تابع عادت و شرایط روحی است. اما تجهیزات نو، هرروز وبی‌وقفه صرفه‌جویی ایجاد می‌کنند؛ صرفه‌جویی پایدار و مستمر. لذا ریشه عمده هدررفت گاز در بخش خانگی به وسایل گرمایشی

واسطه‌های اماراتی بازیگر اصلی تجارت غلات ایران

📌 تمرکز تجارت غلات ایران با روسیه در شرکت‌های ثبت‌شده در امارات، بیانگر وابستگی بالایی واردات کالای اساسی به مسیرهای غیرمستقیم و رزانه‌های واسط است. مسیری که هزینه‌مبادله را افزایش داده و ریسک تحریمی را تشدید می‌کند. ایران طی پنج سال گذشته به‌طور متوسط سالانه حدود ۳ میلیارد دلار انواع کالاهای اساسی شامل جو، ذرت، دانه، گندم و روغن آفتابگردان از روسیه وارد کرده است. با وجود ادعاهایی درباره حرکت تجارت ایران و روسیه به سمت استفاده از ارزهای ملی، بررسی‌های ساختار واقعی پرداخت‌ها نشان می‌دهد حدود ۸۷ درصد ارزش دلاری واردات کالای اساسی ایران از روسیه از طریق شرکت‌های واسط مستقر در امارات، ترکیه و سایر کشورهای واسط انجام شده است. این سطح از وابستگی به ارزهای واسط و شبکه‌های غیرمستقیم، مسیر تأمین کالاهای اساسی کشور را به‌شدت در معرض ریسک‌های تحریمی، افزایش هزینه‌مبادله و کاهش شفافیت مالی قرار داده